



دانشگاه علامه طباطبایی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

## **نقش اسرائیل (لابی اسرائیل) در سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه (۲۰۰۹-۲۰۰۱)**

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر حسین دهشیار**

استاد مشاور:

**جناب آقای دکتر حسین سلیمی**

نگارش:

**نیره رهنما آرانی**

جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد  
رشته مطالعات منطقه - مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا

بهمن ماه سال ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

به تمامی جویندگان علم و پویندگان حقیقت

و

هر آنکس که مرا حرفی آموخت

## قدردانی

الهی تو آنی که آنی توانی همه به کنی حال و احوال هر دو جهانی. حمد و سپاس بیکران، خدای را که توفیق داد تا در مسیر علم و کمال حرکت کنیم. اکنون که به یاری خداوند، این تحقیق به پایان رسیده است، برخورد لازم می دانم، از عزیزانی که در طول انجام این تحقیق، روشنائی بخش را هم بوده اند و مرا در انجام این پژوهش، راهنمایی نموده اند، تشکر و قدردانی کنم.

از استاد راهنمای بزرگوار و گرانقدرم، جناب آقای دکتر حسین دهشیار، که در طول دوران تحصیل و در انجام این پژوهش، تجربیات و نظرات گرانقدر ایشان، راهنمای این حقیر بوده بی نهایت سپاسگزارم.

از زحمات بی شائبه و دلسوزانه جناب آقای دکتر حسین سلیمی در طول دوران تحصیل و از نظرات گرانقدر ایشان در تدوین و نگارش این پژوهش به عنوان استاد مشاور، صمیمانه تشکر می نمایم.

و در پایان از پدر و مادر مهربانم که همواره در مسیر علم و دانش، مشوق من بوده و هستند همچنین از همسر فداکار و صبورم که یار و یاور من در مقام کسب علم و دانش بوده است، تشکر و قدردانی می کنم و امیدوارم بتوانم لحظه ای از زحمات ایشان را جبران کنم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	چکیده
۳.....	فصل اول: کلیات.....
۴.....	۱-۱) طرح مسأله.....
۷.....	۱-۲) اهداف تحقیق.....
۸.....	۱-۳) اهمیت و ارزش تحقیق.....
۹.....	۱-۴) سؤال اصلی.....
۹.....	۱-۵) فرضیه.....
۹.....	۱-۶) متغیرها: تعریف عملیاتی متغیرها و مفاهیم بکاربرده شده در تحقیق:.....
۹.....	الف) متغیر مستقل:.....
۹.....	ب) متغیر وابسته:.....
۹.....	پ) متغیر تعدیل کننده:.....
۹.....	ت) تعریف عملیاتی متغیر مستقل (شاخص سازی):.....
۱۰.....	ث) تعریف عملیاتی متغیر وابسته (شاخص سازی):.....
۱۱.....	ج) تعریف عملیاتی متغیر تعدیل کننده (شاخص سازی):.....
۱۲.....	۱-۷) روش تحقیق.....
۱۳.....	۱-۸) موانع و مشکلات تحقیق:.....
۱۳.....	۱-۹) ادبیات تحقیق.....
۱۸.....	۱-۱۰) سازماندهی تحقیق.....
۱۹.....	پی نوشت ها:.....
۲۱.....	فصل دوم: چارچوب نظری.....
۲۲.....	۲-۱) رئالیسم ساختاری.....

۲۴	(۱) دولت گرایی
۲۵	(۲) بقاء
۲۵	(۳) خودیاری
۲۶	الف) مفهوم بندی نظریه
۲۷	ب) موازنه قدرت
۲۸	پ) مفروضه های کلیدی رئالیسم ساختاری
۲۹	۲-۲) رئالیسم تهاجمی
۲۹	الف) مفهوم بندی نظریه:
۳۱	۲-۳) رئالیسم تدافعی
۳۱	الف) مفهوم بندی نظریه:
۳۳	ب) نظریه موازنه تهدید والت
۳۴	(۱) قدرت
۳۵	(۲) مجاورت جغرافیایی
۳۵	(۳) قدرت تهاجمی
۳۵	پ) مفروضه های رویکرد تدافعی
۴۰	پی نوشت ها:
۴۳	فصل سوم: سیاست خارجی و منافع آمریکا در خاورمیانه
۴۴	بخش اول: سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه
۴۵	۳-۱) اهمیت خاورمیانه برای آمریکا
۴۷	۳-۲) نظام تصمیم سازی سیاسی آمریکا
۴۹	الف) حیطه خارجی
۴۹	ب) حیطه داخلی
۴۹	(۱) قوه ی مجریه
۴۹	الف) رئیس جمهور:
۵۰	ب) شورای امنیت ملی

پ) سازمان اطلاعات مرکزی.....	۵۱
۲) قوه مقننه .....	۵۱
الف) کنگره .....	۵۱
۳) احزاب .....	۵۲
<b>۳-۳) لابی های یهودی در جامعه ی آمریکا .....</b>	<b>۵۲</b>
الف) مفهوم لابی .....	۵۳
ب) لابی گر، اهداف و منافع .....	۵۴
پ) لابی یهود و عملکرد آن .....	۵۵
۱) ساختار لابی و ابزار های نفوذ آن .....	۵۷
الف) نفوذ بر کنگره .....	۵۷
ب) تأثیر بر قوه ی مجریه .....	۵۹
پ) تأثیر بر رسانه ها .....	۶۰
ت) بهره گیری از متفکران .....	۶۱
ث) نظارت بر دانشگاهها .....	۶۱
ج) استفاده از اتهام یهود ستیزی .....	۶۱
۲) کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل (ایپک) .....	۶۳
۳) مؤسسه همکاریهای آمریکایی-اسرائیلی .....	۶۵
۴) کنفرانس رؤسای سازمان های عمده ی آمریکایی های یهودی .....	۶۵
<b>۳-۴) پیامدهای ۱۱ سپتامبر در حوزه ی سیاست خارجی .....</b>	<b>۶۶</b>
الف) استراتژی امنیت ملی آمریکا (دوران بوش): مبارزه با تروریسم .....	۷۰
ب) جرج دبلیو بوش و راهبردهای آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر .....	۷۴
۱) مردم محوری و لیبرالیسم .....	۷۵
۲) دفاع پیش دستانه .....	۷۶
۳) یکجانبه گرایی و نظامی گری .....	۷۹
<b>۳-۵) لابی مدافع اسرائیل و دیپلماسی خاورمیانه ای آمریکا .....</b>	<b>۸۱</b>
الف) بوش و رویکرد حمایت از لابی اسرائیل در مبارزه با تروریسم .....	۸۳

۸۷	ب) نقش لابی در جنگ علیه عراق (مارس ۲۰۰۳).....
۹۲	<b>بخش دوم: منافع آمریکا در خاورمیانه</b> .....
۹۳	<b>۳-۶) دسترسی به منابع نفت و انرژی خاورمیانه</b> .....
۹۶	الف) نفت: موضوع امنیت ملی آمریکا.....
۹۸	ب) راهبرد نفتی آمریکا در خلیج فارس.....
۹۹	۱. جلوگیری از تسلط دشمنان بر منابع نفتی خلیج فارس:.....
۹۹	۲. حفظ جریان با ثبات نفت:.....
۱۰۰	۳. کنترل بهای نفت در بازار:.....
۱۰۰	۴. تنوع بخشیدن به منابع عرضه نفت:.....
۱۰۰	۵. تقویت تولید و ذخیره سازی نفت در داخل:.....
۱۰۱	پ) اهمیت نفت در جنگ عراق (۲۰۰۳).....
۱۰۴	<b>۳-۷) دموکراتیزه کردن خاورمیانه</b> .....
۱۰۸	الف) عراق؛ نمونه اول دموکراسی در خاورمیانه.....
۱۱۱	<b>۳-۸) بقاء، امنیت و رفاه اسرائیل</b> .....
۱۱۵	الف) حمایت بیشتر از اسرائیل.....
۱۱۶	ب) کمکهای مالی - نظامی.....
۱۲۴	پی نوشت ها:.....
۱۳۷	<b>فصل چهارم: منافع مشترک آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه</b> .....
۱۴۰	<b>۴-۱) مهار بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه</b> .....
۱۴۴	الف: دیدگاه آمریکا و اسرائیل نسبت به بنیاد گرایی اسلامی.....
۱۵۱	ب) منافع مشترک آمریکا و اسرائیل از استراتژی مهار بنیادگرایی.....
۱۵۲	<b>۴-۲) طرح خاورمیانه بزرگ</b> .....
۱۵۳	الف) اهمیت طرح خاورمیانه بزرگ.....
۱۵۴	۱) تشویق دموکراسی و برپایی جامعه مدنی.....
۱۵۴	۲) گسترش فرصت های اقتصادی.....



- ب) مبانی نظری طرح خاورمیانه بزرگ..... ۱۵۵
- ۱) ارتقاء دموکراسی ..... ۱۵۷
- ۲) ایجاد جوامع متکی به دانش ..... ۱۵۸
- ۳) گسترش فرصت‌های اقتصادی ..... ۱۵۹
- پ) اهداف طرح خاورمیانه بزرگ..... ۱۶۰
- ۱) اهداف آشکار..... ۱۶۱
- ۲) اهداف پنهان..... ۱۶۲
- کنترل شریان نفت و انرژی جهانی:..... ۱۶۳
- حفظ بازار مصرفی این کشورها:..... ۱۶۴
- زنده نگه داشتن بحران‌ها در خاورمیانه به منظور ادامه فروش تسهیلات..... ۱۶۴
- حفظ سیادت اسرائیل و مهار کشورهای غیر همسو با سیاست‌های واشنگتن:..... ۱۶۴
- ت) منافع مشترک آمریکا و اسرائیل از طرح خاورمیانه بزرگ..... ۱۶۵
- ۳-۴) فرآیند صلح خاورمیانه..... ۱۶۶**
- الف) پیشینه صلح خاورمیانه..... ۱۶۸
- ۱) قرارداد کمپ دیوید..... ۱۶۸
- ۲) کنفرانس صلح مادرید..... ۱۶۹
- ۳) قرارداد صلح غزه- اریحا (اسلو)..... ۱۷۰
- ۴) قرارداد صلح طابا (اسلو ۲)..... ۱۷۱
- ۵) قرارداد الخلیل..... ۱۷۱
- ۶) قرارداد مرینند (وای ریور یاوای پلانتیشن)..... ۱۷۱
- ۷) مذاکرات صلح اسرائیل با اردن، سوریه و لبنان..... ۱۷۲
- ۸) طرح صلح نقشه راه..... ۱۷۲
- ب) پیگیری فرآیند صلح خاورمیانه در زمان جورج دبلیو بوش..... ۱۷۵
- پ) منافع مشترک آمریکا و اسرائیل از روند صلح خاورمیانه..... ۱۸۰
- ۴-۴) مبارزه با تروریسم..... ۱۸۲**
- الف) یازده سپتامبر، نومحافظه کاران و مبارزه با تروریسم..... ۱۸۵

۱۹۰.....	ب) اهداف و منافع مشترک آمریکا و اسرائیل از استراتژی مبارزه با تروریسم
۱۹۱.....	۴-۵) مبارزه با سلاح های کشتار جمعی
۱۹۲.....	الف) استراتژی مبارزه با دست یابی به سلاح های هسته ای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
۱۹۵.....	ب) منافع مشترک آمریکا و اسرائیل از استراتژی مبارزه با دست یابی به تسلیحات کشتار جمعی
۱۹۹.....	پی نوشت ها:
۲۰۹.....	نتیجه گیری
۲۱۶.....	فهرست منابع

## چکیده

روابط ایالات متحده و اسرائیل را می توان در قالب یک رابطه ویژه ارزیابی کرد، از این سبب که اسرائیل در منظر ایالات متحده یک شریک و سرمایه راهبردی است و استحقاق حمایت اقتصادی، سیاسی و نظام را دارد و در قالب چنین نگرشی، مناسبات ایالات متحده و اسرائیل، توسعه و گسترش یافت. اما به نظر می رسد این مناسبات و روابط همه جانبه با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، مستحکم تر از گذشته شده باشد، چرا که

تروریسم تبدیل به هدف مشترک دو کشور شد. و بدلیل اینکه آشبخور این حوادث در منطقه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی خاور میانه بود، بنابراین اسرائیل از این محیط منفک نبود. سیاست ایالات متحده در منطقه خاور میانه همیشه مبتنی بر ثبات سازی و تأمین اهداف و منافع جهت حضور مؤثر در این منطقه بوده است. در این میان ایالات متحده جهت تأمین اهداف خود در منطقه از اسرائیل به عنوان متحده راهبردی کمک می گیرد، حال آنکه خود اسرائیل و بقا و امنیت آن یکی از منافع ایالات متحده در خاور میانه است.

# فصل اول:

کلیات

## ۱-۱) طرح مسأله

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و منابع منحصر یانه و اهمیت آن از منظرهای گوناگون، بعد از جنگ جهانی دوم و در دوره نظام بین الملل ۲ قطبی و حتی پس از فروپاشی شوروی، خاورمیانه یکی از اولویت های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بوده است. به گونه ای که هیچ گزینه ای جای خاورمیانه را در دیپلماسی آمریکا نمی تواند پرکند. رفتار سیاسی رؤسای جمهور آمریکا، بیانگر این است که خاورمیانه برای این کشور، خط قرمزی به شمار می آید و دولت آمریکا آماده است برای پاسداری از آن هرگونه خطری را بپذیرد. برای آمریکا که بزرگترین اقتصاد دنیا را دارد و از جایگاه ابرقدرت بی رقیب، دنیا را می نگرد، مسأله انرژی حیاتی است و برای درک اهمیت مسأله انرژی، برای آمریکا همین بس که در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم، ذیل عنوان منافع ملی مربوط به بقا، اولین موردی است که در رأس منافع حیاتی این کشور قرار گرفته است.

گراهام فولر منافع آمریکا در خاورمیانه را به ترتیب اهمیت در چهار دسته قرار می دهد، حفاظت از منابع انرژی و تداوم جریان آن به غرب، حمایت پیوسته آمریکا از امنیت، بقا و رفاه اسرائیل، کمک به دولتهای دوست آمریکا برای تضمین و تقویت ثبات کلی منطقه و بالاخره دسترسی آمریکا به بازارهای منطقه و حفظ و تداوم نفوذ سیاسی آمریکا.

با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا و پس از آن، نمایش قدرت ایالات متحده در عرصه جهانی و هژمونیک گرایی آمریکا به مثابه تنها مؤلفه تأمین و افزایش امنیت در دستور کار زمام داران محافظه کار این کشور قرار گرفت.

نومحافظه کاران، منطقه خاورمیانه را به دلیل وجود ذخایر غنی نفتی و گروههای تروریستی جهت اعمال تغییرات مناسب یافتند. در این میان متحد اصلی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه دولت اسرائیل می باشد. بطوریکه می توان گفت ایالات متحده و اسرائیل از نزدیک ترین دوستان و هم پیمانان یکدیگر محسوب می شوند. (۱)

روابط ایالات متحده و اسرائیل را می توان در قالب یک رابطه ویژه ارزیابی کرد، از این منظر که اسرائیل در نگاه ایالات متحده یک شریک و سرمایه راهبردی است. اما به نظر می رسد روابط و مناسبات این دو دولت پس از حوادث ۱۱ سپتامبر مستحکم تر از گذشته شده باشد. چرا که پس از این حوادث، تروریسم تبدیل به هدف

مشترک دو کشور شد. و به دلیل اینکه آبشخور این حوادث در منطقه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاورمیانه بود، بنابر این اسرائیل از این محیط منفک نبود.

بطوریکه ظواهر امر حاکی از آن است که سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه تابعی است از اسرائیل و منافع این کشور در منطقه و نه آمریکا و این مسأله باعث شده است که سیاست خاورمیانه ای آمریکا از سوی صاحب نظرانی چون میرشایمر و والت و گاسکی و دیگرانی که بعد از مقاله ی میرشایمر و والت (در مورد لابی اسرائیل) در حال افزایشند، به چالش کشیده می شود.

جراحی این مسأله طبق نظر آنها، افزایش نفوذ اسرائیل و لابی هایش در تاروپود شبکه سیاستگذاری آمریکا است، که عمدتاً به قدرت و نفوذ اسرائیل و لابی های قدرتمندش در آمریکا بر می گردد. (۲) از نظر والت و میرشایمر مهمترین هدف سیاست خارجی آمریکا باید حفظ منافع ملی آن باشد. با این همه در چند دهه گذشته و بویژه پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷، رابطه آمریکا با اسرائیل هسته ی مرکزی سیاست خاورمیانه ای این کشور را تشکیل داده است. حمایت قاطعانه آمریکا از اسرائیل همواره با تلاش برای گسترش دموکراسی در سراسر منطقه خاورمیانه افکار عمومی اعراب و مسلمانان را برانگیخته و امنیت آمریکا را در معرض خطر قرار داده است.

کمکهای مادی آمریکا به اسرائیل در چنان سطحی است که کمکهای دیگر آن را با سایر کشورها تحت شعاع قرار می دهد.

اسرائیل دریافت کننده ی بزرگترین کمکهای مستقیم اقتصادی و نظامی آمریکا در سال و در مجموع دریافت کننده بیشترین کمکهای آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و بویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بوده است. پس از این حوادث حمایت آمریکا از اسرائیل با این ادعا توجیه شده است که، هر دو کشور از جانب گروههای تروریستی تهدید می شوند که این گروهها از جهان عرب یا اسلام سرچشمه می گیرند و مجموعه ای از دولتهای شرور که در پی دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی هستند حامی این گروهها می باشند. (۳)

اما این تلقی که اسرائیل مهم ترین متحد آمریکا در مبارزه علیه تروریسم و انواع دیکتاتورپهای خاورمیانه است، هم در توانایی اسرائیل برای کمک به حل این مسأله مبالغه می کند و هم این موضوع را نادیده می گیرد که سیاستهای اسرائیل تلاش های آمریکا را با دشواری روبرو می سازد.

حمایت آمریکا از اسرائیل را باید با قدرت بی سابقه لابی اسرائیل توضیح داد. بر این اساس، خروجی دستگاه دیپلماسی واشنگتن، تنها از طریق تأمل بر خطوط راهنمای نظام تصمیم سازی امنیتی- استراتژیکی رژیم

صهیونیستی بعنوان ورودی این دستگاه قابل بررسی است. در این چارچوب تحلیلی، رابطه متقابل میان واشنگتن-تل آویو، از زاویه یکی از مبانی تفکر استراتژیک رژیم اسرائیل هویت می یابد. (۴)

نکته مهم این است که آنچه در این تحلیل دو متغیری (آمریکا-اسرائیل) قرار می گیرد، از رسایی بایسته ای برخوردار نیست. و اتکا بر آن، برای تشریح ابعاد این الگوی تعاملی کفایت نمی کند. به کلام دیگر، بررسی نقش اسرائیل در سیاست خاورمیانه ای آمریکا تنها با تأکید بر بازیگری ثالث یعنی «لابی مدافع آرمان صهیونیسم» تکمیل خواهد شد. به این ترتیب، لابی مزبور و ایدئولوگ های آن بر مبنای فرصت های قانونی، اجتماعی و سیاسی که در اختیار دارند، منافع گوناگونی را در مسیر تأثیرگذاری بر نظام تصمیم سازی آمریکا در خاورمیانه بسیج کرده اند. جریانی تأثیرگذار که در لایه های ارکان تقنینی (کنگره) و اجرایی این دولت نفوذ کرده و با تصویرسازی از جریان های مخالف اسرائیل و دولتهای معارض با آن، مسیر حصول به اهداف مطلوب را هموار می کنند. (۵)

اما با وجود همه ی این ترتیبات، می توان گفت سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه در چارچوب استراتژی جهانی این کشور و در جهت تأمین منافع ملی آن می باشد. آمریکا به خاطر منافع اقتصادی و امنیتی خود دموکراتیزه کردن خاورمیانه را در دوران جورج دبیلو بوش سرلوحه سیاست خود قرار داد. حمله آمریکا به عراق که به بهانه ارتباط رژیم این کشور با گروههای تروریستی و اقدامات او در جهت تولید سلاح های کشتار جمعی صورت گرفت نشان داد که، آمریکا با استناد به منافع ملی و نه با توجه به منافع جامعه بین الملل و یا کشورهای خاص اقدام خواهد کرد. (۶) سیاست عراقی آمریکا یعنی دموکراسی از طریق سرنگونی رژیم بعثی بر خلاف استدلال های بسیاری در منطقه و جهان از نقطه نظر تصمیم گیرندگان بازتاب منطقی تقارن منابع و منافع آمریکا بود.

در تاریخ مدرن آمریکا شاهد هستیم که این کشور برای تحقق سیاست خارجی معطوف به اشاعه دموکراسی و ارزش های لیبرال توسل به قدرت نظامی و زور را مشروع و تغییر رژیم را الزامی یافته است. آنچه باید در نظر گرفته شود این است که نافذترین بازیگر صحنه جهانی برای تأمین منافع خود و پیاده سازی مؤلفه های سیاست خارجی خود بر خلاف اجماع بین المللی، استفاده از قدرت نظامی را مطلوب یافته است. آمریکا امنیت خود را به ماهیت حیات در خاورمیانه پیوند داده است. اما در این راستا نمی توان نقش کشورهای متحد آمریکا را در این زمینه، مثل اسرائیل و لابی های طرفدار آن در آمریکا نادیده گرفت.

در واقع می توان گفت: هر زمان منافع اسرائیل با آمریکا در منطقه خاورمیانه همسو بوده و نقطه تلاقی با هم دارند، فرصت تأثیرگذاری اسرائیل بر سیاستگذاری خارجی آمریکا در خاورمیانه افزایش یافته و هر زمان در جهت

تعارض با منافع اسرائیل در منطقه خاورمیانه باشد، فرصت تأثیرگذاری بر سیاست گذاری آمریکا از اسرائیل کاهش یافته و یا سلب می شود. به بیان دیگر رابطه ویژه و کمکه‌های آمریکا به اسرائیل را می توان بر اساس منافع استراتژیک مشترک دو دولت که در فصل های آینده توضیح داده خواهد شد بررسی کرد. (۷)

بنابراین می توان گفت: آنچه در این تحقیق مد نظر است، در چارچوب تعاملات ویژه میان ۲ قدرت جهانی (آمریکا) و منطقه ای (اسرائیل)، تأثیر اسرائیل بر سیاست خارجی خاورمیانه ای آمریکا در این منطقه است. و آنچه مد نظر این پژوهش می باشد این است که سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه تابعی از منافع ملی این کشور در منطقه می باشد و این در حالی است که دو کشور منافع استراتژیک مشترک بسیاری با یکدیگر دارند.

## ۲-۱) اهداف تحقیق

خاورمیانه از جمله مناطقی است که مهم ترین ویژگی آن موقعیت استراتژیکی و ژئواستراتژیکی و منابع عظیم انرژی و بازار ثروتمند آن می باشد که این منطقه را بیش از سایر مناطق مورد توجه قدرتهای بزرگ قرار داده است.

در نیمه ی دوم قرن بیستم مسائل و تحولات این منطقه بیش از تمام نقاط جهان در رسانه ها و محافل سیاسی و اقتصادی بین المللی مطرح شده است. وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سرآغاز اقدامات و تحولات مهمی در روابط آمریکا و خاورمیانه شد. از میان قدرتهای منطقه ای می توان به نقشی که اسرائیل در رابطه با این منطقه در سیاست خارجی آمریکا ایفا می کند، در این برهه زمانی اشاره کرد.

بررسی تاریخ سیاسی آمریکا مؤید این حقیقت است که تمامی رؤسای جمهور آمریکا از هر دو حزب اصلی آن کشور خود را از همان ابتدا، ملزم به حمایت و تأمین منافع نامشروع و صیانت از امنیت رژیم اسرائیل می دانسته اند. و این مسأله هنوز هم در سیاست ها و اقدامات اغلب مسئولان و رؤسای این کشور بوضوح دیده می شود. (۸)

حمایت بی چون و چرا از اسرائیل، کمکه‌ها و وام های ایالات متحده به اسرائیل، چشم پوشی و اغماض از جنایات این رژیم، فشار و تهدید بر ضد کشورهای حامی ملت ستمدیده ی فلسطین، وتوی قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد حکومت تل آویو نشان دهنده ی روابط ویژه آمریکا با اسرائیل و فقط گوشه ای از موارد تحمیلی صهیونیسم بر این دولت در چارچوب مناسبات با اسرائیل بوده است.

لذا در این تحقیق در واکاوی نقش اسرائیل در سیاست خاورمیانه ای آمریکا، ۲ هدف عمده را دنبال می کنیم: علمی و کاربردی.



از لحاظ علمی و نظری در این تحقیق به دنبال نقشی که لابی اسرائیل در جهت تأمین منافع اسرائیل ایفا می کند، منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه، منافع اسرائیل در این منطقه و در نهایت منافع مشترک دو کشور و نقطه ی تلاقی آنها در منطقه خاورمیانه هستیم.

اما از لحاظ کاربردی به دلیل اهمیت منطقه خاورمیانه از لحاظ استراتژیکی و ژئواستراتژیکی درصدد پی بردن به این نکته ایم که سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه با توجه به منافع ملی و استراتژی امنیت ملی این کشور صورت می گیرد، حال هر زمان این سیاستها با منافع اسرائیل هم پوشانی و اشتراک داشته باشد، تأثیرگذاری این دولت بر آمریکا افزایش خواهد یافت.

در واقع بررسی تأثیر رفتاری و تحلیل سیاست اسرائیل در قبال آمریکا و اهداف و منافع مشترک دو دولت (آمریکا و اسرائیل) از اهداف کاربردی این پژوهش می باشد.

### ۳-۱) اهمیت و ارزش تحقیق

ماهیت حوادث ۱۱ سپتامبر بدین معنا بود که تقویت یکجانبه گرایی عمدتاً در حوزه امنیت نظامی رخ داد و رابطه تنگاتنگی با فرآیند امنیتی کردن مفرط دارد، و پاسخ به این حوادث به هیچ وجه یک جانبه گرایی مطلق نیست. (۹)

وقوع این حوادث در آمریکا و پس از آن نمایش قدرت ایالات متحده در عرصه جهانی و هژمونیک گرایی آمریکا به مثابه تنها مؤلفه تأمین و افزایش امنیت در دستور کار زمام داران محافظه کار این کشور قرار گرفت. از این رو براساس دیدگاه محافظه کاران، منطقه خاورمیانه، به دلیل وجود ذخایر غنی نفتی و گروههای تروریستی جهت اعمال تغییرات مناسب بوده است، که حضور نظامی ایالات متحده در این منطقه در راستای این اهداف تبیین می شود.

شکل گیری استراتژی آمریکا در صحنه جهانی از یک سو متأثر از منطق قدرت و از سوی دیگر برآمده از برجستگی منافع این کشور است. (۱۰) از طرفی هم، اسرائیل نزدیک ترین متحد آمریکا در منطقه خاورمیانه و پرنفوذترین متحد آمریکا در حیات سیاسی داخلی این کشور است که این خود به این مفهوم است که آمریکا از لحاظ محاسبات داخلی به شدت ملزم به دفاع از حیات اسرائیل است. اما وقوف کامل اسرائیل به ماهیت فرهنگی، این ذهنیت واقع گرایانه را برای آنان رقم زده است که در دنیایی که بازیگران در آن زیست می کنند تنها دوست همیشگی، منافع در کنترل است.

#### ۴-۱) سؤال اصلی

سؤال اصلی این تحقیق بدین گونه است که:

«اسرائیل (لابی اسرائیل) چه تأثیری در شکل دادن به سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه داشته است؟»

این سؤال شکل دهنده ی روند این تحقیق در فصول گوناگون می باشد.

#### ۵-۱) فرضیه

فرضیه ما در این تحقیق عبارت است از این که:

«لابی اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه موثر است، اما زمانیکه منافع این لابی با منافع

آمریکادر خاورمیانه همسو نباشد، (لابی) امکان تأثیرگذاری نداشته است.»

#### ۶-۱) متغیرها: تعریف عملیاتی متغیرها و مفاهیم بکاربرده شده در تحقیق:

الف) متغیر مستقل: عملکرد اسرائیل (لابی اسرائیل)

ب) متغیر وابسته: سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه

پ) متغیر تعدیل کننده: منافع ملی آمریکا در خاورمیانه

ت) تعریف عملیاتی متغیر مستقل (شاخص سازی):

۱) لابی یهود و عملکرد آن

۲) لابی مدافع اسرائیل و دیپلماسی خاورمیانه ای آمریکا

۳) بوش و رویکرد حمایت از لابی در چارچوب مبارزه با تروریسم

۴) نقش لابی در جنگ عراق

\* لابی گری در آمریکا: لابی یا گروههای ذی نفوذ در ایالات متحده گروههایی هستند که برای تحقق اهداف و منافع خود با بهره گیری از ساختار و ظرفیت های حقوقی و سیاسی این کشور به دنبال تأثیرگذاری بر روند و جهت گیری های سیاسی، داخلی و خارجی آن می باشند. در سالهای اخیر با افزایش ظرفیت پارلمانی ایالات متحده، قدرت گروههای مذکور نیز که حوزه اصلی فعالیت و تأثیرگذاری آنها در کنگره و سنا می باشد، افزایش یافته است. (۱۱)

\* لابی یهود: تصمیمات سیاست خارجی ایالات متحده متأثر از روابط پیچیده میان بخش های مختلف این کشور است. یکی از گروههای متنغد نژادی در آمریکا لابی های یهودی هستند. مبنای عمل کلیه گروههای فشار در آمریکا مشابه هم هستند، اما آنچه لابی یهودی را از سایر گروههای فشار متمایز می کند، قدرت تأثیرگذاری آنهاست. این لابی به دو شکل رسمی و غیررسمی در ساختار جامعه آمریکا نقش دارد. گروههای غیر رسمی مانند گروه بنی بریث و گروه حداش و کمیته اقدام سیاسی هستند که بیشتر در زمان انتخابات فعال می شوند. اما تأثیرات لابی های رسمی - که مهم ترین آنها کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل (ایپک) است- در تصمیم گیرندگان سیاست خارجی آمریکا حائز اهمیت است. (۱۲)

\*لابی:

بطور کلی در جوامع بشری کمتر کسی است که تجربه ی لابی کردن در معنای عام آن را نداشته باشد. تقریباً هر روز انسانها از همدیگر می خواهند کاری را که در راستای تأمین منافعشان می باشد، انجام دهند یا از انجام کاری که علیه منافعشان می باشد، خودداری ورزند. در معنای خاص لابی کردن یعنی تلاش برای تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های دولت و تأمین منافع. گروههای ذی نفوذ، گروههایی با سازماندهی منسجم یا غیر منسجم، اما دارای اهداف و منافع مشخص می باشند که برای تحقق آنها به دنبال تأثیرگذاری بر روند سیاسی یا تصمیم گیران مرتبط هستند. مجموعه فعالیتها و اقداماتی را که گروههای مذکور برای تغییر وضعیت سیاسی موجود در راستای منافع خود انجام می دهند، لابی کردن می نامند. به عبارت دیگر لابی کردن مجموعه ای از زروش های ارتباطی با مقامات مسئول برای تأثیرگذاری و تعیین روند یا شرایط سیاسی است. (۱۳)

#### ث) تعریف عملیاتی متغیر وابسته (شاخص سازی)

۱) اهمیت خاورمیا نه برای آمریکا

۲) نظام تصمیم سازی سیاسی آمریکا

۳) پیامدهای یازده سپتامبر در حوزه سیاست خارجی

۴) استراتژی امنیت ملی آمریکا (دوران بوش)

۵) راهبردهای آمریکا در خاورمیانه پس از یازده سپتامبر

\* سیاست خارجی: مهم ترین وجه زندگی اجتماعی-سیاسی ملتها و کشورها به شمار می رود، چون بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد. سیاست خارجی به مجموعه ای از رفتارها و کنش های یک دولت برای رسیدن به اهداف و تأمین منافع آن دولت اطلاق می شود.

\* سیاست خارجی آمریکا: مجموعه اقدامات دولت آمریکا به منظور نیل به اهداف و منافع ملی این کشور  
اطلاق می شود. در بررسی سیاست خارجی آمریکا مجموعه ای از عوامل خارجی و داخلی را مد نظر قرار می  
دهند.

سیاست خارجی آمریکا در چارچوب منافع ملی این کشور صورت می گیرد. به همین دلیل است که شاهد  
پیوستگی و تداوم در سیاست خارجی آمریکا از ۱۸۹۸م. که برون گرایی جهانی آمریکا حیات یافت\_  
هستیم. (۱۴)

\* تروریسم: استفاده غیر قانونی یا تهدیدآمیز از قدرت زور یا خشونت توسط یک شخص و یا یک گروه  
سازمانی علیه مردم یا دارایی آنها همراه با ارباب یا اجبار علیه جوامع یا دولتها، که اغلب بدلیل ایدئولوژیکی یا  
سیاسی صورت می پذیرد. حادثه ۱۱ سپتامبر در واقع نقطه ی عزیمت نهادینه کردن مفهوم تروریسم بود و در  
رأس اولویت بندی های استراتژی بین المللی قرار گرفت. در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا که پس از حادثه  
۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، انتشار یافت. مبارزه با تروریسم و کشورهای حامی گروههای تروریستی به عنوان اولویت اول  
سیاست خارجی آمریکا و اسرائیل قرار گرفت.

\* استراتژی: مفهوم استراتژی تعاریف مختلفی دارد از جمله اینکه، استراتژی به معنای هنر کنترل و جهت  
دهی کلیه منابع یک دولت یا ائتلاف دولتها جهت حفظ و افزایش منافع یک کشور در تقابل با دشمنان بالقوه یا  
بالفعل .

استراتژی در امور سیاسی، به معنای تعیین خط مشی کلی یک کشور یا سازمان یا حزب است که برنامه بلند  
مدت آن را مشخص می کند. (۱۵) در عرصه سیاست بین الملل معاصر، هر کشوری بر اساس اهداف ملی و نیز  
منافع ملی خود، هرم استراتژی ملی خود را اولویت بندی و تدوین می کند. سیاستمداران و استراتژیست های  
آمریکایی و اسرائیلی هرم استراتژی روابط متقابل خود را در محیط سیستم بین الملل با در نظر گرفتن فرصتها و  
تهدیدها بر اساس اهداف و منافع ملی خودسازماندهی می کنند.

### ج) تعریف عملیاتی متغیر تعدیل کننده (شاخص سازی):

۱) دسترسی به منابع نفت و انرژی خاورمیانه

۲) دموکراتیزه کردن خاورمیانه

۳) بقا، امنیت و رفاه اسرائیل